

بزم و رزم

■ نوشتهٔ صائن الدین علی بن محمد بن محمد
ترکه اصفهانی (۷۷۰-۸۳۶ ق)
■ صحیح و تحقیق: مرگان حقانی

www.ketab.ir

سرشناسه: علی بن محمد بن محمد ترکه اصفهانی، صائن‌الدین؛ ۷۷۰-۸۳۶ ق.
عنوان و نام پدیدآور: بزم و رزم / صائن‌الدین علی بن محمد بن محمد ترکه اصفهانی؛ مصحح
مژگان حقانی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات وایا، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۲۶ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۷۳-۴-۸
وضعیت فهرست‌بندی: فیا
یادداشت کتابخانه: ۱۲۶ ص ۱۱۹-۱۲۴
موضوع: عرفان -- بول‌نویسی تا قرن ۱۴
موضوع: ترکه اصفهانی علی بن محمد، ۷۷۰-۸۳۶ ق. -- نقد و تفسیر.
موضوع: نثر فارسی، قرن ۱۳.
شناسه افزوده: حقانی، مژگان، مصحح.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵-۵ ر ۳۷۰/۳۷۱ BP ۲۸۳
رده‌بندی دیویی: ۸۲۵/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۸۲۲۲۴

- عنوان: بزم و رزم
- تألیف: صائن‌الدین علی بن محمد بن محمد ترکه اصفهانی.
- تصحیح و تحقیق: مژگان حقانی
- طراح جلد: امیرحسین قوچی‌بیک
- صفحه‌آرا: الهام آهوئی
- ناشر: وایا
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۷۳-۴-۸
- نوبت چاپ: اول / فروردین ۱۳۹۵
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- بهاء: ۱۲۰۰۰۰ ریال
- چاپخانه: نقره آبی
- آدرس الکترونیکی: vaya.pub@gmail.com

■ فهرست مطالب ◆

۷	مقدمه مصحح
۸	نیای نویسنده
۱۲	شرح حال نویسنده
۱۶	شاگردان ابن ترکه
۱۶	آثار نویسنده
۱۷	الف. نامه‌ها و مکتوبات
۱۷	ب. اشعار
۲۱	ج. رساله‌ها و کتاب‌ها
۲۸	اثین نویسنده
۳۰	نظام فکری ابن ترکه
۳۲	معرفی رساله بزم و رزم
۳۲	الف. درونمایه

۳۶	ب. ویژگی‌های ادبی و سبک نگارش
۳۶	۱. نثر ساده
۴۱	۲. استفاده از رمز، نماد و تمثیل‌های مکرر
۵۱	۳. مناظره
۵۴	معرفی نسخه‌های خطی
۵۶	شیوه تصحیح
۵۹	تصویر نسخه‌های خطی ■
۶۵	بزم و رزم ■
۸۵	تالیقات ■
۹۷	نمونه اصطلاحات عرفانی ■
۱۰۵	واژه‌نامه ■
۱۱۹	مراجع و ساخت ■

کزین برتر اندیش برگزید

به نام خداوند زبان و اندیشه

♦ مقدمه صحیح ♦

بی شک ادبیات بالنده زبان فارسی مرهون شاعران، ادیبان و عارفانی است که با خلق آثار ادبی و عرفانی خود بر غنا و طراوت این زبان سترگ افزوده‌اند. زبانی که در طول عمر طولانی خود فراز و نشیب‌های فراوان داشت و سبک‌ها و گونه‌های فراوانی را آزموده و آفریده است. اما متأسفانه از این گنجینه گریزها تنها شمار اندکی احیا شده و اینک در اختیار پژوهشگران ماست، و بسیاری در تالاف نسخه‌های خطی همچنان دور از دسترس علاقه‌مندان این رشته قرار دارند. در این میان شاید آثار عرفانی بویژه آنها که مملو از صنایع ادبی می‌باشند و صیغه و رنگ و بو و زینت‌های مادین و سمبلیک دارند، از اهمیتی دوچندان برخوردار است. بخصوص دست‌نوشته‌ها و رساله‌های عارفان نامدار و تأثیرگذار.

با توجه به ضرورت‌های یاد شده نگارنده درصدد برآمد تا با مشورت اساتید فن دست به احیای یکی از متون مهم ادبی عرفانی بزند تا شاید بدین وسیله بتواند متنی ارزشمند را در اختیار علاقه‌مندان این حوزه قرار دهد و از سوی دیگر یکی از حلقه‌ها و نقاط تاریک تاریخ زبان و ادبیات فارسی را روشن سازد.

پس از بررسی‌های فراوان و مطالعه متون ادبی و عرفانی، شخصیت سترگی از سده نهم هجری توجهم را به خود جلب کرد: صائن‌الدین ابن‌ترکه. او نقش بسیاری در نزدیکی فلسفه و عرفان و آموزه‌های دینی با بهره‌برداری از علم حروف داشت و منابع مهمی مانند تائیه ابن‌فارض را شرح کرده که همواره مورد استناد پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه عرفان نظری بوده و هست. افزون بر آن نوشته‌های خرد و کلانی را به رشته تحریر درآورده که هر یک به نوبه خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از میان آثار احیا نشده وی رساله مناظره بزم و رزم را انتخاب کردم که در عین که هم محتوای ارزشمندی داشت و هم ما را با اندیشه‌های یکی از عارفان بنام سده نهم آشنا می‌کرد. افزون بر آن، یکی از نمونه‌های نشر مصنوع به شمار می‌آید که مالا مال از صنایع ادبی است. بویژه آنکه در قالب مناظره و با زبان رمز و تمثیل ارائه شده است.

۱. نیای نویسنده ♦

نیای وی که به «خاندان ترک‌نشین»^۱ی اشتها دارند، ترک زبان و بیشتر شافعی مذهب - و برخی شیعه - بودند. در میان خاندان او طی سده‌های ۸ تا ۱۱ یعنی در طول چهارصد سال شخصیت‌های برجسته‌ای در حوزه‌های فلسفه، شعر و معارف دینی به چشم می‌خورند که گاه همچون پدایش بر منصب قضا نیز تکیه داشتند و مورد قبول عموم مردم و نیز سران حکومت‌ها بودند. در میان منابع تاریخی و کتاب‌شناسی و نیز آثار ابن‌ترکه آگاهی‌های چندی، تنها درباره برخی از آنها وجود دارد:

۱. صدرالدین محمد (جد ابن‌ترکه): ابوحامد صدرالدین محمد بن حبیب‌الله، همان حکیم و عارف بنامی است که کتاب بی‌نظیر قواعد التوحید در عرفان نظری از اوست. کتابی که هنوز هم به عنوان مهمترین و نخستین متن آموزشی این حوزه به شمار می‌آید و ابن‌ترکه با شرح خود به نام تمهید القواعد آن را جاودانه کرده است.

۲. ابن‌ترکه در فقه المصنوع دوم مدعی است خاندان وی سابقه‌ای ۷۰۰ ساله دارند. رک: چهارده رساله، ص ۲۱۵

وی، نزد رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر غازان خان و اولجایتو از جایگاهی ارزنده برخوردار بود. شاهد آن اینکه:

۱. دو کتاب *الحکمة الرشیدیة* و *کنوز الأفراس فی معرفة الأشباح و الأرواح* را به نام وی یاد رشیدالدین نوشته؛ او نیز ضمن نامه‌ای خرسندی خود را اعلام و هدایایی را توسط خواجه هلال دواتی ارسال می‌کند.^۱

۲. رشیدالدین افزون بر نامه‌هایی که برای صدرالدین نوشته، در مکاتباتی که با دیگر شخصیت‌ها داشته نیز از عظمت جایگاه علمی وی یاد می‌کند. از آن جمله، نامه‌ای که به فرزند خود و نیز به عقیف‌الدین بغدادی نوشته است.^۲

۳. آن‌گاه که به دم‌اص‌بن از فقر و اوضاع نابسامان آن دیار به ستوه آمده بودند، طی نامه‌ای از خواجه رشیدالدین درخواست تخفیف مالیات می‌کند. او نیز طی پاسخی محترمانه موافقت خود را اعلام کرده و مقرر می‌شود از مردم آن سرزمین و دیگر شهرهای اطراف، مطابق نمایان خواشان مالیات بستانند.^۳

۴. از همه مهمتر آنکه خواجه رشیدالدین در واپسین روزهای زندگی، به هنگام بیماری، نسخه‌ای از وصیت‌نامه خود را برای صدرالدین فرستاده و بازماندگانش را به وی می‌سپارد و از او می‌خواهد که آنان را از توجه و دنیامبایی خود بی‌بهره نگذارد.^۴

۲. افضل‌الدین محمد (پدر صائن‌الدین).

۳. برادر بزرگ صائن‌الدین: صائن‌الدین وی را استاد خود در بگانه عصر به شمار آورده است.^۵ وی که در زمان امیر تیمور ریاست دستگاه قضای سمرقند را برعهده داشته، در آموزش و ادامه تحصیلات برادر کوچکترش نیز نقش بسزایی ایفا کرده است.

۴. افضل‌الدین محمد اول: برادرزاده یا عموزاده ابن‌ترکه، هموست که کتاب *الملل و النحل* نوشته شهرستانی از منابع تاریخ کلام را به توصیه سلطان محمد (پسر

۱. رک: *سوانح الافکار رشیدی*، صص ۲۱۸ - ۲۲۱.

۲. رک: همان، صص ۶۸ و ۱۲۶ - ۱۲۷.

۳. رک: همان، صص ۴۴ - ۴۵.

۴. همان، صص ۲۱۷ - ۲۰۱.

۵. رک: چهارده رساله فارسی (نقطة‌المصدور اول)، ص ۱۷۰.

بایسنغر پسر شاهرخ تیموری) به فارسی برگرداند و آن را تنقیح الادله و العلل فی ترجمه کتاب الملل و النحل نامید و آن را به شاهرخ تیموری اهدا کرد.^۱

سال ۸۵۰ ق پس از آنکه سلطان محمد برای تسخیر تمامی سرزمین ایران به سوی اصفهان لشکرکشی کرد، شاهرخ تیموری برای سرکوب وی راهی عراق شد و پس از پیروزی، گروهی از سادات و علمای اصفهان - از جمله افضل الدین ترکه را - با خیال واهی همکاری با سلطان محمد دریند کرده، و همراه خود به ساوه برد و هر یک را به دروازه‌ای از دروازه‌های شهر، به دار آویخت.^۲

سعید نفیسی چنین گزارش می‌کند که پیکر افضل الدین، از ساوه به اصفهان منتقل و در محله درب آستان، به خاک سپرده شد.^۳ برخی بر آن اند که پیکر وی در کنار شاه سلا الدین محمد، در بقعه شهشهان اصفهان آرمیده است.^۴ اما شماری نیز معتقدند توره خاзадگی آل ترکه، جنب مسجد لُتبان است که امروزه اثری از آن برجای نمانده است.^۵

۵. خواجه حبیب‌الله نیکوشیرازی گفت و همچون پدرش منصب صدارت قضای اصفهان را برعهده داشت. مسافانه زندان عمر نکرد و در جوانی درگذشت.^۶

۶. افضل الدین محمد ثانی: فرزند خواجه حبیب‌الله، همچون پدر سالیان طولانی (در دوران سلطنت شاه طهماسب اول و شاه اسماعیل دوم) بر مسند قضای دارالسلطنه اصفهان تکیه داشت، نیز تولیت آستان قدس رضوی را برعهده وی بود. پس از گذراندن تحصیلات مقدماتی در زادگاهش - اصفهان - راهی کاشان شد و فلسفه و کلام را از مولانا ابوالحسن آموخت.^۷ سپس بر روی علم حدیث، فقه و اصول به عراق و از آنجا به شام مهاجرت کرد. در این سفر بود که توفیق انجام

۱. رک: ترجمه الملل و النحل، ج ۱، صفحه ج.

۲. رک: تاریخ نظم و نشر، ج ۱، صص ۴۴۹ - ۴۵۲؛ تذکره النعماء، ص ۲۵۶؛ ترجمه الملل و النحل، ج ۱، صص ۳۵ - ۴۹؛ و دیار بگریه، ص ۲۸۸.

۳. رک: تاریخ نظم و نشر، ج ۱، ص ۴۵۰.

۴. رک: ترجمه الملل و النحل، ج ۱، صص ۸۴ - ۸۵.

۵. رک: تذکره القبور، ص ۲۱.

۶. رک: عرفات العاشقین، ج ۲، صص ۱۲۰۷ - ۱۲۰۸ و آتشکده آذر، ج ۳، ص ۹۳۹.

۷. رک: عرفات العاشقین، ج ۱، ص ۵۸۰؛ سلم السماوات، ص ۷، ۸۴ - ۸۸.

مناسک حج را یافت. وی در سال ۹۶۷ ق راهی وطن شد. پس از چندی مورد توجه شاه طهماسب قرار گرفت و در حضور شبه مباحثه و مناظره با علما پرداخت. مدتی را نیز در قزوین، به آموزش و تربیت طالبان علم پرداخت. چلبی بیک تبریزی، قاضی نورالدین اصفهانی و برادرش قاضی معز، امیرنورالدین محمد قراری و شیخ ابوالقاسم انصاری کازرونی - نویسنده کتاب *سکیم السماوات* - را از برجسته ترین شاگردان وی برشمرده اند.^۱ وی نیکو شعر می گفت و «افضل» تخلص او بود.^۲

در زمان وزارت امیرمحمد یوسف، منصب قضای سپاهیان به او واگذار شد. تا پایان عمر شاه طهماسب (به سال ۹۸۴ ق) از ملازمان دربار وی بود. اما درباره جایگاهش در دوران پادشاهان شاه اسماعیل دوم اختلاف است:

- شماری بر این دارند - او به دلیل مناظره با میرزا مخدوم شریفی از علمای متعصب اهل تسنن، جایگاه خود را نزد شاه اسماعیل از دست داده و تا پایان دوره سلطنت وی روز خوش به خود نگذیرد.^۳

- اما ولی قلی بیک شاملو، بر آن است که او در زمان شاه اسماعیل دوم نیز منزلتی خاص داشته؛ و همچنان به امر قضاوت، در میان سرگرم بوده است.^۴

در ایام سلطنت محمد خدابنده، نیز به مدت دو سال به تدریس و قضاوت در مشهد مقدس سرگرم بود. اما دیری نباید که به دلیل ریشخنده خراسان، به موطن خود - اصفهان - بازگشت.

اسکندر بیک ترکمان تصریح دارد که در سال ۹۹۱ ق با سلطان - معز - به راهی عراق شده و در ری دعوت حق را لبیک گفته است.^۵ برخی منابع دیگر اصفهان را

۱. رک: همان، صص ۳۳۶-۳۳۷؛ ج ۲، ص ۱۰۶۳؛ ج ۷، ص ۴۵۰۴.

۲. رک: *عرفات العاشقین*، ج ۱ ص ۶۴۰.

۳. «افضل» اگر نه ای به غم عشق مبتلا
خلاصه الاسمار، بخش اصفهان، ص ۲۱۸.

۴. گر وزن کند سپهر اعلی
از هر ملکی به جای تسبیح

هفت اقلیم، ج ۲، صص ۴۰۴ - ۴۰۵.

۵. خلاصه الاسمار، بخش اصفهان، ص ۲۱۹.

۶. رک: *قصص الخاقانی*، ص ۳۹۰.

۷. رک: *تاریخ عالم آرا*، ج ۱، ص ۱۵۵.

اندوه بی حساب و غم بی کرانه چیست؟

فضل فضلا و فضل افضل
آوار آید که افضل افضل

محل درگذشت و مزار وی دانسته‌اند.^۱

۷. جلال‌الدین محمد: در دوره شاه عباس صفوی می‌زیسته، وی را از عالمان هم‌تراز شیخ بهایی به شمار آورده‌اند. زیرا در وقفنامه بقعه شهشهان مهر وی در کنار مهر شیخ بهایی و دیگر علما به چشم می‌خورد.^۲

۸. ضیاءالدین علی: آن‌گونه که شیخ بهایی ادعا کرده گویا شعر می‌سروده است.^۳

۹. ملا مظفر: نبیره خواجه افضل‌الدین محمدترکه، متولی مسجد جامع اصفهان و

نبیره مسایخ وادی دارالعباد یزد، همچنین از منشیان شاه عباس دوم (به سال ۱۰۷۶

ق) با موجب سالیانه چهل تومان بود. او شاعری طنزپرداز نیز به شمار می‌آمد. نقل

شماره در سن ۶۰ الگی اشعارش به بیش از ۱۵۰۰۰ بیت می‌رسید.^۴

اطاعت ما... این خاندان سترگ همین جا خاتمه می‌یابد و این آخرین

شخصیت از سلسله آل ترکه است که در منابع از وی یاد شده است.

شرح حال نویسنده ♦

صائن‌الدین علی^۵ بن افضل‌الدین محمد بن ابوحامد صدرالدین محمد ترکه اصفهانی^۶ که در اشعارش «علی» تخلص می‌کرد،^۷ سال ۷۷۰ ق در اصفهان زاده شد.^۸ لقب «ترکه» - مصغر «ترک» - را از آن زمان به ری داده‌اند که نیای او اهل

۱. رک: هفت اقلیم، ج ۲، ص ۴۰۴ و عرفات‌العاشقین، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. رک: ترجمه المثل و النحل، ج ۱، ص ۸۷.

۳. کشکول، ج ۱، ص ۱۲۸.

۴. رک: قصص الخاقانی، صص ۳۹۰ - ۳۹۱.

۵. رک: مجمل فصیحی، ص ۲۷۰ لغت‌نامه، ج ۱۰، ص ۱۴۷۲۹ و سبک‌شناسی، ص ۲۲۴.

۶. رک: تهذیب القواعد، ص ۱۰، لغت‌نامه، ج ۱۰، ص ۱۴۷۲۹ و سبک‌شناسی، ص ۲۲۴.

۷. رک: نسخه خطی مجموعه رسائل صائن‌الدین، شماره ۱۰۱۹۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۱۲۱.

۸. تنها منبعی که به تاریخ تولد وی تصریح دارد و قابل استناد است، نوشته خود ابن ترکه در رساله نفته‌المصدرور است. او در آنجا می‌نویسد: «حال آن است که این فقیر را پنجاه و نه سال از عمر گذشته» از آنجا که این رساله را در سال ۸۲۹ ق نگاشته، بنابراین می‌بایست در سال ۷۷۰ ق به دنیا آمده باشد. رک: چهارده رساله، ص ۱۷۰.

خُجَند بودند.^۱ او خود در این باره می‌نویسد: «اجداد بندگان از خُجند بوده‌اند و لقب «تُرکه» از آنجاست.»^۲ و چون بعدها در دوران خوارزمشاهیان و با سلاجقه به اصفهان مهاجرت کردند، از وی با عنوان «اصفهانی» یاد شده است. نیز کنیه‌اش «ابومحمد» است و به «ابن تُرکه»، «تُرکه خُجندی»، «صائن الدین»، «صائن الدین تُرکه»، «صائن الدین تُرکه خُجندی» و «صائن الدین خُجندی» هم اشتها دارد. اما او در برخی از نامه‌ها و یادداشت‌هایش خود را «صائن تُرکه» و در بیشینه آثارش «علی بن محمد بن محمد» معرفی می‌کند.^۳

از جزییات حیات وی اطلاعات چندانی در اختیار نیست.^۴ همین قدر می‌دانیم که پدرش - افضل الدین - از علمای بزرگ معاصر شاه طهماسب و شاه اسماعیل صفوی بوده که در کار تألیف و تربیت شاگردان، مدت‌ها منصب قضا را بر عهده داشته و از نزدیکان و - باریان - شاهان صفوی به شمار می‌آمده است. نیای وی نیز همان‌گونه که گذشت از بزرگان معارف دینی، عرفان و تصوف بودند که سال‌ها در کنار تدریس و تربیت شاگرد، به امر کشاورزی و سرگرم و از اقبال عوام و خواص و پادشاهان برخوردار بودند. آن‌گونه که در نفقه‌المصدور دوم آورده، ده فرزند داشته، آنجا که می‌نویسد: «و تفرقه بسیار از آن ممرّ خاطر می‌رسید که این فقیر را ده طفل و عورتی چند لازم بودند.»^۵

صائن الدین نخست به مدت ۲۵ سال از محضر پدر بزرگش که در زمان امیر تیمور، ریاست دستگاه قضای سمرقند را برعهده داشته، از یکده او یگانه عصر به شمار می‌آمده، دانش‌های دینی را فراگرفت. وی در این باره می‌نویسد: «حال آن است که این فقیر را پنجاه و نه سال از عمر گذشته، بیست و پنج سال در خدمت برادر بزرگ که یگانه عصر خود بودند، به تحصیل علوم دینی مشغول شد.»

۱. ر.ک: چهارده رساله، ص ۲۰۳؛ لغت‌نامه، ج ۱۰، ص ۱۴۷۲۹ و سبک‌شناسی، ص ۲۲۴.

۲. چهارده رساله فارسی (نفقه‌المصدور دوم)، ص ۲۰۳.

۳. ر.ک: المناهج فی المنطق، مقدمه، صفحه سی و دو.

۴. مهمترین منبع برای شناخت او دو رساله نفقه‌المصدور اول و دوم است که به منزله زندگینامه خودنوشت ابن‌تُرکه به شمار می‌آید.

۵. چهارده رساله، ص ۲۰۶.

۶. چهارده رساله فارسی (نفقه‌المصدور اول)، ص ۱۷۰.